

حقوق بين الملل عمومي ۲

گرد آورنده: محمد امين شريفى

استاد: دكتور اندرزگو

حقوق بین الملل ۲

شکلی و معاهده ، عرف ، رویه قضایی (این سه ریشه هستند) اصول حقوق ، دلالت
 اصل اصناف (ماده ۳۸ اساسنامه دیوان دادگستری)
 ماهوی : فرسنگها ، عادات ، عقاید ، رسوم

منابع حقوق
بین الملل

عرف :

عرف جایگاه استازی در حقوق بین الملل دارد حتی می توان گفت که عرف قبل از معاهدات بوده است .
 مثل حقوق دیپلماتیک که در حقوق عرفی ریشه دارد .

سوال :

چرا عرف در حقوق بین الملل از جایگاه استازی برخوردار است بر خلاف حقوق داخلی ؟

۱- واضعان حقوق بین الملل با رفتار یک شکل خود در ایجاد قواعد عرفی مشارکت مستقیم دارند .
 ۲- حقوق بین الملل بر خلاف حقوق داخلی هنوز هم عمدتاً حقوق عرفی است و می تواند کمبود قواعد معاهده ای را یا مملو باشد .

۳- همان قواعد معاهده ای نیز اکثراً ریشه در عرف دارند یعنی بدون قواعد عرفی هستند

۴- به رقم اینکه چنین به نظر می رسد که با تدوین عرف و تبدیل و برگرداندن آن به معاهده به تدریج از اهمیت آن کاسته می شود اما به معنای این است که در مقطعی از زمان منقود شده و موقعیت خود را به طور کامل از دست بدهد زیرا عرف حاکی و ناشر از رفتار عمومی کشورها در روابط بین المللی است و مسلماً این رفتار هم چنان تداوم خواهد داشت و تا زمانی که قواعد عرفی تبدیل به قواعد معاهده ای نشوند از استقلال کامل برخوردار هستند .

تعریف عرف بین الملل : تکرار اعمال یا رفتار مشابه توسط تابعان حقوق بین الملل (عنصر مادی) که به تدریج در روابط متقابل آنها با یک دیگر جنبه الزامی و قدرت حقوقی پیدا کرده است و در نتیجه اعتبار و ارزش برابر با قواعد حقوق بدون دارد (عنصر معنوی) .

خواهش ایجاد عرف :

کشور یا سازمان بین المللی در مقابل رفتار کشورهای دیگر آن را پذیرا باشد و سکوت و عدم اعتراض به معنای پذیرش آن است .

عنصر مادی :

یعنی تکرار یک عمل حقوقی مستند ، نافذ ، قاطع ، ثابت و بدون اعتراض و تردید و به تدریج در یک زمان

سوال:

مگر اروپا چه مقدار است؟

رویه قضایی یا سطح می دهد : هر چند عملی که برای مدت کوتاهی جریان داشته لزوماً و به جزوی خود
مانفی برای شکل گیری یک قاعده می جدید عرض نیست لکن لازم است که در این مدت زمان کوتاه هر
قدر هم کوتاه باشد طرز عمل عمومی کشورها بویژه کشورهای ذی نفع متواتر و عملاً یک شکل باشند.

آیا ترک فعل یا خود داری از انجام محل نیز ایجاد سابقه می نماید یا خیر؟

معمولاً خود داری ساده تکرار قاعده می عرض نمی کند بلکه باید اراده می کشورها به طریق مطمئن آن را برابر
نماید و ثابت شود که خود داری با آگاهی به وظیفه می خود داری نمودن بوده است زیرا توافق غیر قابل
بحث و ضمنی کشورها بسیار نادر است.

عظمت معنوی :

جایی عرف به منزله می روی می الزام آور حقوقی و سپس تبدیل به قاعده می حقوقی شدن و پذیرش این قاعده
می شود عظمت معنوی.

سین نتیجه اینست هر عضو از جامعه می جهانی می تواند در زمان ایجاد یک قاعده عرفی مخالفت خود را نسبت
به آن ابراز دارد و از این طریق زیر بار اجرای قاعده این نرود که با مناقض منطبق نیست.

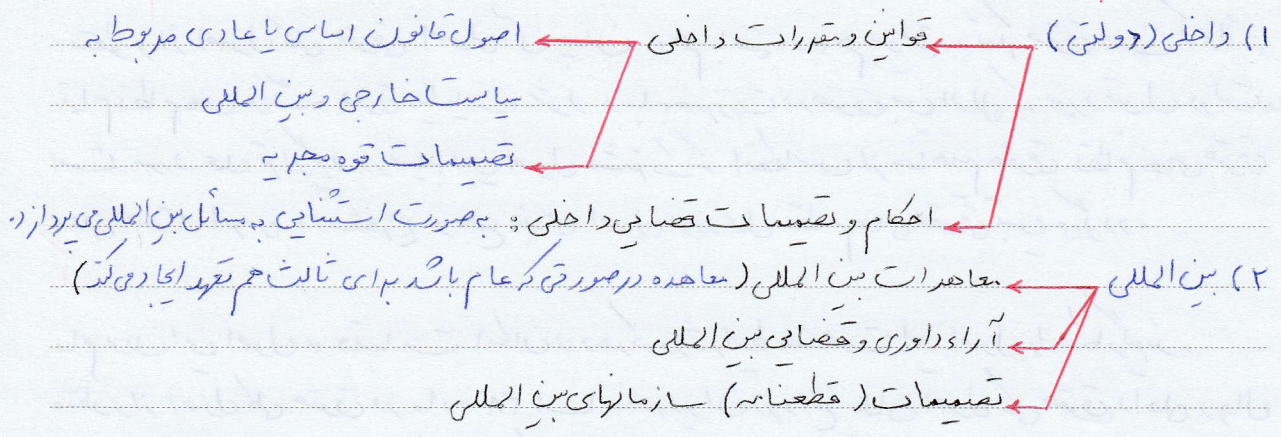
عرف ← عام : عرفی که عموم کشورها رعایت می کنند : یعنی عرف عام ناشی از طرز عمل عمومی است نه

طرز عمل متفق به عنوان مثال برای ایجاد یک قاعده می عرفی عام در جهانی در زمینه می حقوق دریاها
شارکت قدرت های بزرگ دریایی کافی و ضروری است زیرا حفظ این کشورها در وضعیت
هند که با محل خود می تواند اجرای چنین عملی را تضمین نماید بنابراین قواعد اتفاق آراء
بر این شکل گیری قواعد عرفی لازم نیست ولی اجرای آن همه بر این کشورهایی که در هنگام اجرای آن
و وقوع نزاع اند در یاد در شکل گیری آن حضور نداشته اند الزامی است.

عرف ← خاص : عرف منطقه ای یا بین دو کشور : آن دسته از قواعد عرفی که تمام یا مقداری از کشورهای

یک منطقه آنها را پذیرفته و یا مستند آ به آن محل کرده و یا هیچ گونه اعتراض و یا مخالفتی
به آن نگرده باشند مانند عرف کشورهای آمریکایی لاسن در مورد شناسایی نظام های
سیاسی که در اثر انقلاب تغییر می یابند. قاعده می عرفی می تواند حتی مورد پذیرش دو
کشور قرار گرفته و یا در روابط متقابل آنها ایجاد و مجری گردد.

احکام موجود سابق عرف



مناسبات میان عرف و معاهده :

از اصل تساوی میان عرف و معاهده دو نتیجه حاصل می شود :

1- اعتبار نفع عرف و معاهده : هر چند عرف و معاهده دارای اعتبار حقوقی برابر هستند اما سخن است میان آنها تفاوتی بین آید و به این مثال اگر معاهده این متضمن تقاضی باینک قاعده می عرفی باشد در این صورت کدام یک ترجیح دارد ؟

جواب : اگر عرف و معاهده دارای اعتبار حقوقی برابر هستند دلیل ندارد که یکی بر دیگری رجحان داشته باشد . لازم است محتوای عرف و معاهده مورد بررسی قرار گیرد در نتیجه (1) تقدم قاعده می معاهده این یا عرفی مؤخر (2) تقدم در جهان مطلق قواعد آمده بین المللی

نکته : دیوان بین المللی دادگستری در عمل معاهده را رجحان داده است و در مواردی هم تساوی این دو را بیان کرده است .

2- آثار نفع عرف و معاهده : قدرت حقوق عرف و معاهده در یک سطح است گنج در مواردی سخن است بلکه اثر را باطل و از رجحان اعتبار ساقط کند و یا مجرد تفسیر و اصلاح یک دلیل شوند . نگاه دولتها به عرف یک نگاه منفی است چون آزادی عمل آنها را محدود می کند.

منزلهت کوفتی عرف : امروزه تراسنی به سوی تدوین قواعد عرفی به صورت معاهدات بین المللی مورد حمایت اکثر کشورهای جهان قرار گرفته و عرف بین المللی مقام و منزلت گذشته خود را از دست داده است .

منبع سوم: اصول کلی حقوق

متنطور از اصول کلی حقوقی اصولی آن چنان به هم بافته و به هم پیوسته به نظر حقوق است که عملاً در تمام نظام های بزرگ حقوقی دنیا یافت شود. و بنا به ضرورت در حقوق بین الملل که مورد قبول دولت ها است مورد عمل قرار گیرد. در نتیجه این اصول مشترک که انعکاس از مفاهیم حقوقی نظام های حقوقی مللی است با بررسی، استخراج و جمع بندی اصول مورد عمل نظام های حقوقی بین المللی گردید.

نکته:

عام بودن این اصول به قضات امکان دهد که در شرایط متفاوت این اصول را به کار گیرند. متنطور از اصول کلی حقوقی در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان در واقع همان اصول کلی حقوقی داخلی در حال اجرا است. در نظام بین المللی تنها اصول کلی حقوقی رایج توان به کار برد که میان نظام های مختلف حقوقی داخلی مشترک باشد. در کنار اصول حقوقی جهان شمول، اصول کلی حقوقی منطبقه ای نیز وجود دارد.

اصول کلی حقوقی مشترک در حقوق بین الملل به ۲ گونه تقسیم می شود:

- ۱) اصول کلی حقوقی مشترک در زمینه های داخلی و بین المللی مثل:
 - ۱- اصل دفاع به عهد
 - ۲- اصل حسن نیت
 - ۳- اصل جهان شمولیت
 - ۴- اصل احترام به حقوق ملکیه
 - ۵- اصل اعتبار قضیه محکوم بها
 - ۶- اصل جهان شمولیت دیگر
- ۲) اصول کلی حقوقی خاص حقوق بین الملل مثل:
 - ۱- اصل دوام کشورها
 - ۲- اصل حق ملتها در تعیین سرزشت خود
 - ۳- اصل مصونیت قضایی کشورها
 - ۴- اصل احترام به استقلال کشورها
 - ۵- اصل آزادی ارتباطات
 - ۶- اصل تقیم حاصره بین المللی بر قانون داخلی
 - ۷- اصل مراجع به دادگاه های داخلی قبل از مراجع به دادگاه های بین المللی.

نکته:

اصول کلی حقوقی در صورتی می تواند معتبر باشد که با عرف و معاهده متغای باشد، پس قاعده ای خاص (معاهده و عرف) بر قاعده ای عام (حکمان دارد) به لحاظ نظری و تشریفاتی اصول کلی حقوقی رعایت می شود و به لحاظ ماهوی معاهده و عرف

منابع فرعی :

۱) روی قضای بن المللی : طبق بند ۲ ماده ۳۸ اساسنامه به قاضی اجازه داده شده که طی رأی های قبل خود حکم دهد هر چند که قضات این گونه عمل ننمایند، البته قضات تحت تأثیر رأی های گذشته هستند

سوال : چرا روی قضای جزو منابع اصلی نیست ؟

از آن جایی که حقوق بن المللی به همان اندازه اولاً قاضی بن المللی فقط بر اساس توافق طرفین به اختلاف رسیدگی می کند ثانیاً در مرحله صدور حکم نیز توافق جزو معاهدات بن المللی و قواعد عرفی و اصول کلی حقوقی نیز دکنی را مستند حکم خود قرار دهد مثلاً اینک طرفین دعوا او را در استفاده از روش های حل اختلاف آزاد گذاشته باشند ثالثاً با توجه به ماده ۵۴ اساسنامه احکام قضای بن المللی تنها برای طرفین دعوا و در همان دعوائی که منجر به صدور حکم شده الزام آور است

۱۲) دکنین : بین نظریه جمعی از علمای حقوق نه نظریات فوری علمای آریخا . دکنین را نیز توان جزو منبع اصلی و مستقل به شمار آورد . بیک از مکانیزم های که عقاید دکنین را مشخص می کند مؤسسه حقوق بن المللی ، کنسول حقوق بن المللی و آکادمی حقوق بن المللی لایحه است .

۱۳) اصل اضافة و صلاح دید یا صواب دید : اصل اضافة مفهومی گسترده تر از اصل صلاح دید دارد . در اصل اضافة دو حالت وجود دارد : الف) در معاهده رجوع به اصل اضافة ذکر شده ب) خود قاضی مستقیماً به اصل اضافة رجوع می کند

اصل اضافة در دو مورد مکمل حقوق بن المللی است :

- ۱- در صورت عدم کفایت حقوق موضوعه
- ۲- در صورت سکوت حقوق موضوعه

سوال : چرا اصل اضافة را به صورت مجزا ذکر کرده اند بلکه می توان آن را جزو اصول کلی حقوقی ذکر کرد ؟
به حوا رکلی هر قاعده ای در حقوق باید مشهور (نیز) از اصل اضافة باشد در غیر آن صورت آن قاعده ای در حقوق را نیز توان قاعده ای در حقوق به معنای دقیق گفته دانست .

در برخی از معاهدات بن المللی که رجوع به دادری و دیوان را ذکر کرده در آن شرایطی را تصریح می دهند به تمام شرط تصدات بر اساس اضافة ، صلیق مفاد این شرط حراضخ توافق می کنند که در صورت بروز اختلاف بویژه اختلافات سرزمینی از قاضی یا دادری نخواهند تا بر اساس اصل اضافة به موضوع رسیدگی کرده و حکم لازم الاجرا را صادر نمایند . پس اصل اضافة بخشی از حقوق بن المللی

موضوع محسوب نمی شود زیرا امکان است در حین از مکان ها با حقوق بین الملل مخالف باشد و نقض صریح آن به حساب آید.

در مجموع می توان چنین نتیجه گرفت جنگ های که اضاف جانبی حقوقی شود به هیچ وجه منقصر به نظر نمی رسد که همانند حقوق بین الملل در نظر گرفته شود بلکه در این وضعیت اصل اضاف به یک نظام فراهقوقی حق اختلافات بین المللی تبدیل می شود.

ارزیابی کلی:

- ۱) جنگ های که اضاف موضوع احادی حقوق بین الملل قرار می گیرد چه با توافق و چه بدون توافق طرفین تبدیل به تعهد حقوقی می گردد.
- ۲) هرگاه اضاف نقض مطلق حقوق بین الملل را ایجاد کند قاعده می حقوقی محسوب می شود، قاعده ای که منبغ غیر مستقیم و ضعیف حقوق بین الملل تلقی می شود.
- ۳) جنبه اضاف به عنوان صفت یا سرشت قاعده می حقوقی قلمداد می شود و می توان آن را اصل حقوقی دانست.

۴) هرگاه اضاف را موجب برای عدول از قاعده می حقوقی به حساب آوریم در واقع آن را در جایگاه نظام فراهقوقی قرار داده ایم و این خلاف مقصود ذات حقوق بین الملل است.

نتیجه:

گاهی اعمال یکجانبه حقوقی کشورها و سازمانها می تواند به عنوان منبع حقوق بین الملل قرار گیرد.

اعمال یکجانبه کشورها:

- ۱) شناسایی کشور یا حکومت جدید (۲) اعتراف و سکوت (مثل اعتراف وینان به چهاران)
- ۳) اطلاعاتی ها (مثل الزام که در حقوق جنگ وجود دارد) (مثل کشورها می طرف) (مثل کشور و سکوت انگلستان)
- ۴) اعلامیه ها (مثل اعلامیه پذیرش شرط اجباری در ایران) (۵) قول و عهد
- ۶) فتح یا آنگاره نیمی از معاهده (۷) حق شرط بر معاهده (۸) تعلق اجزای معاهده
- ۹) اعمالی که حقوق بین الملل آنها را در صحت کشورها دانسته است مثل تعیین ارض دریای سرزمین
- ۱۰) اعمالی که ایجادکننده می سابقه می عرفی هستند مثل مکاتبات سیاسی.

اعمال یکجانبه سازمانهای بین المللی:

قطبنامه / توصیه نامه / تقسیم اعلامیه / بیانیه
قطبنامه: یک اصطلاح عام و کلی که از طرف رکن جمعی سازمان صادر می شود.

تصمیم شامل احوال الزام آور است. توصیه قدرت الزام ندارد و اعلامیه و بیانیه فاقد هرگونه الزام حقوقی است. اینها کمک می کنند به شکل دیگری عرف بین المللی.
(۱) احوال قاعده ساز بدون سازمانی و مثل بخش نامه های داخلی
(۲) احوال قاعده ساز بدون سازمانی و مثل مصوبات سازمان نسبت به کشورهای دیگر.

سوال:

آیا احوال گویانه می تواند منبع در حقوق بین الملل باشد؟

می توان نتیجه گرفت که احوال حقوقی گویانه هر چند قاعده می حقوقی به معنای خاص کلمه و منبع مستقلاً برای حقوق بین الملل محسوب نمی شود اما برای عاملان آنها دارای اعتبار و آثار حقوقی مشخص هستند آن هم بشرطی که به قصد ایجاد تعهد صادر شده باشند و به هیچ وجه نمی تواند برای سایر کشورها ایجاد الزام و تعهد کند مگر آنکه آنها رضایت خود را اعلام دارند.

قواعد آمره (در ماده ۳۸ اساسنامه):

قواعد آمره حکم بر منابع دیگر حقوق بین الملل است.

تعریف قواعد آمره طبق عهدنامه ۱۹۷۹ وین: قاعده ای آمره حقوق بین الملل عام قاعده ای است که از سوی جامعه بین المللی کشورها در کل به عنوان قاعده ای که خلاف از آن مجاز شمرده شده است و تنها از طریق یک قاعده ای آمره می بعدی بین الملل عام با همان بزرگی قابل تغییر باشد پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است. این قواعد مشتمل بر تعدادی اصول هستند که در سلسله مراتب قواعد حقوق بین الملل در رأس قرار می گیرند و هر قاعده ای دیگری که مغایر با آنها باشد و متن حد رویه و محل گودس که با آنها در تعارض باشد بی اعتبار محسوب می شود، در نتیجه نقض آن موجب مسئولیت بین المللی می گردد پس این تعریف ۶ معیار دارد:

- ۱-
- ۲- در محل یا اکثریت کشورها پذیرفته شده باشد.
- ۳- عدم جواز در وضع قواعدی که خلاف قاعده ای آمره است.
- ۴- خنق قاعده ای آمره فقط با قاعده ای آمره می بعدی مجاز است.
- ۵- اثر قاعده ای آمره بر معاهدات بنا بر مورد اثر پلان مطلق یا اختتام است.
- ۶- واژه می پذیرش و به رسمیت شناختن یا شناسایی از ماده ۳۸ اساسنامه دیوان کوفه شده که پذیرش در مورد قواعد عرفی عام است و شناسایی مربوط به معاهدات عام و اصول کلی حقوقی است.

مشاوره نگاه قواعد آمره:

- ۱) برخی گفته اند مشأ آن حقوق طبیعی است
- ۲) برخی مشأ آن را معاهده می دانند
- ۳) برخی مشأ را عرف و برخی دیگر روی قضایی می دانند
- ۴) عهده این مشأ را اصول کلی حقوق می دانند، گفته شده این نظر نزدیک تر است و دارای طرفداران زیادی است.

مراجع اعلام قواعد آمره:

بهترین جا برای اعلام قواعد آمره سازمان ملل متحد است زیرا نمایندگان ۱۹۸ کشور در آن وجود دارد.

سوال:

آیا امکان اصلاح یا تغییر قواعد آمره وجود دارد؟

بله با قواعد آمره جدید امکان دارد، البته قواعد آمره به لحاظ زمان دارای محدوداتی هستند چگونه قواعد آمره تغییر می کنند؟

به لحاظ علمی امکان آن وجود ندارد زیرا در حقوق بین الملل یا امکان وجود ندارد.

اصلاح و تغییر قواعد آمره یکی از طریق عرف امکان دارد مثل اصل حق ملت ها در تعیین مرزها خود، یا اصل دفاع مشروع و یکی از طریق معاهدات عام مثل منشور سازمان ملل متحد. این دو می تواند یا صفتی باشند یا صریح.

نکته:

۱۷ مورد از قواعد عامه وجود دارد که هر معاهده و عرفی که ساخته می شود نباید با آن ها مخالف باشد.

- ۱- اصل احترام به حاکمیت، استقلال و تمامیت سرزمین کشورها
- ۲- اصل حق ملت ها در تعیین مرزها
- ۳- اصل احترام به حقوق و آزادی های اساسی بشر
- ۴- اصل دفاع مشروع
- ۵- اصل امنیت
- ۶- اصل منع توسل به زور و تحريم جنگ
- ۷- اصل دفاعی به خود
- ۸- اصل منع تجاوز
- ۹- اصل منع درازن دریا
- ۱۰- اصل منع کشتار جنگی
- ۱۱- اصل عدم تبعیض نژادی
- ۱۲- اصل منع بردگی
- ۱۳- اصل منع حواشی را به
- ۱۴- اصل حاکمیت کشورها بر منابع طبیعی خود
- ۱۵- اصل منع جنایت علیه بشر
- ۱۶- اصل منع جنایت جنگی
- ۱۷- اصل منع تروریسم

اعضای جامعه ملی :

۱) کشورها (۲) سازمانها (۳) افراد خصوصی (حقیقی - حقوقی) ششگانه بنیادین، نهضت‌ها آزادی‌بخش
بر اساس نظر ریوان زک آی تابع یا شخص حقوق بین الملل باید دارای ۲ شرط باشند تا در جامعه
بین المللی صلاحیت پیدا کند :

- ۱) صلاحیت دار بودن حقوق و وظایف بین المللی
- ۲) توان استفاده از این حقوق و ایفای وظایف

نتیجه :

حقوق بین الملل سنتی فقط کشورها را موضوع حقوق بین الملل می داند .
طرفداران مکتب جامعه شناسی حقوق بین الملل فقط افراد را موضوع حقوق بین الملل می داند .

تعاریف :

کشور : کشور یا دولت از اجتماع منظم و دائمی گروهی از انسانها که در سرزمین معین و مشخصی به طور ثابت
کویت دارند و مطیع یک قدرت سیاسی مطلق هستند .
به طور خلاصه شخص حقوق عمومی داخلی و بین المللی در محدوده سرزمین و فراتر از سرزمین .
عناصر کشور :

۱) جمعیت : گروهی از انسانها که با رابطه ای حقوقی و سیاسی به نام تابعیت با یکدیگر متحد شده و به
کشوری مربوط گردند بدون اینکه لازم باشد دارایی نژاد ، زبان ، ملیت و یا مذهب واحدی باشند .

۲) سرزمین : فضای زمینی یک کشور که در محدوده جغرافیایی است که با مرزها گم و بیش ثابت شده است .
الف) دائمی ب) حوابی ج) دریاچه

مقدار کشور صادر داخلی و استقلال آنرا در خارج منوط به سرزمین است .
ایمال قدرت در سرزمین محدود به مرزهای جغرافیایی است یعنی کشورها نمی توانند در کشورهای دیگر ایمال
حاکمیت کنند .

مختص کردن مرزها :

- ۱) با عمل یکجانبه کشورها : یعنی وزارت خارج اعلامیه می دهد که مثلاً مرزها با عراق از فغان منقطع است
- ۲) با انعقاد معاهده بین مرزی میان کشورهای هم جوار
- ۳) با دادگلهی رکن دادری یا قضایی بین المللی : یعنی دو کشور با هم (عواصم کنند و می روند درگاه بین المللی زک آی

انواع مزرهاها

۱) مزرهای طبیعی

- الف - کوهستانی : ۱ - خط البرانس، خطی مری که مرتفع ترین قله یک رشته کوه را به هم متصل می کند
 ۲ - خط تقسیم آب: سلسله جبال که بین دو حوزه آبی که جزو واقع شده خطی است که آبهای کوه را به دو طرف عارلانه بین دو کشور تقسیم می کند
- ۳ - خط کوه پایی: در آن مزر از انتهای شیب کوهستان تقسیم می شود
- ب - دریایی: بین از تقسیم عرض دریایی سوزمین خط انتهای دریا مزر کشور است.
- ج - دریاچه: بینبادهای موجود در مورد دریایی خزر:

- ۱ - مشاعی بودن دریایی خزر: یعنی بهره برداری مشترک کلیه کشورهای ساحلی
- ۲ - تمام حقوق دریاها به دریای خزر تقسیم داده می شود یعنی محدودی های چون آبرایی داخله، دریای سوزمین، منطقه محاور یا تطای آن مثل منطقه ای اقتصاد، انحصاری و فلات قاره.
- ۳ - تقسیم دریای خزر میان کشورهای ساحلی: یعنی با ترسیم خطوط مستقیم و استفاده از نمونه بین المللی و مضمانه از جمله خطوط میان یا منصف و استفاده از تکنیک های نقطه تلاقی مزرهای جابجایی

- د - رودخانه ای: ۱ - قابل کشتی رانی: مثل اروندرود (رشته العرب) از طریق خط نالوک مزر مشخص می شود خطی است که از میان عمیق ترین نقطه ای بستر رودخانه می گذرد
- ۲ - غیر قابل کشتی رانی: از طریق خط منصف استفاده می شود یعنی دقیقاً رودخانه را نصف می کند مانند میرسنند در افغانستان.

۲) مزرهای مصنوعی

در این مزرها از دو روش استفاده می شود

- ۱) تهدید حدود به شکل هندسی یعنی با کشیدن سیم خاردار، دیوار و ...
- ۲) تهدید حدود بگونه ای که از طریق ستاره ها طول و عرض را مشخص می کنند.

- ۳) حکومت (قدرت): شاکه و ساحتهای یک کشور را تشکیل می دهد و جامع بودن آن شکل می گیرد
- معنای حکومت در داخل کشور یعنی آزادی و در خارج یعنی استقلال.
- حاکمیت در روابط بین المللی به معنای صلاحیت است، صلاحیتی که می تواند استیفاء حق و تهدید به حق کند.

نکته:

حرم کشورها به محض دولتی پیش روند به حقوق بین الملل نزدیک می شوند

شناسایی کشورها:

برای اینکه کشوری در عصری بین الملل ظاهر شود باید عواملی در جمیع جنبه شوند (سرزمین، جمعیت و حاکمیت) و برای آنکه بتوان با سایر کشورها در عصری بین الملل ارتباط برقرار کنند باید کشورهای دیگر آن را به رسمیت بشناسند.

تعریف شناسایی: عملی است که به موجب آن کشورها وجود یک جامعه سیاسی جدید و مستقل را که قادر به رعایت حقوق بین الملل است در سرزمین معینی تصدیق و تأیید می کنند و در نتیجه اراده می خود را دایره بر شناسایی آن به عنوان عضو جامعه بین الملل اعلام می دارند.

ماهیت شناسایی: عهده ای گفته اند ماهیت تأسیس دارد و عهده ای قائل به ماهیت اعلامی دارند تأسیس ← به این معنا است که اداره می موافقت کشورها به کشور جدید باعث بوجود آمدن آن کشور می شود.

اعلامی ← به منزله ای اعلام ورود یک کشور جدید در عصری بین الملل است.

نقد نظریه بر تأسیس:

۱) در نقش اراده کشورها مبالغه شده است.

۲) تاریخ نشان داده که ایجاد یک کشور نتیجه اجماع شرایط سیاسی و جغرافیایی و تاریخی نیست است.

۳) در صورت قبول این نظریه کشوری که شناسایی نشده از هیچ جای بین المللی برخوردار نخواهد بود و مسئولیتی نیز در برابر نقض مقررات حقوق بین الملل ندارد. چگونگی شناسایی:

۱) صریح ← فردی: ضمن تنظیم یک سند رسمی مثل اعلامیه یا درداشت دیپلماتیک یا تکرار توطئه یک کشور.

جمعیت: از جانب تعدادی از کشورها ضمن تنظیم یک سند رسمی مثل معاهده اعلامیه یا درداشت دیپلماتیک چند جانبه، تصمیم یک کنفرانس.

۲) ضمنی ← فردی: برقراری رابطه دیپلماتیک یا انعقاد معاهده خاص.

جمعیت: الحاق به یک معاهده بین المللی یا پذیرش عضویت در یک اتحادیه یا کنفرانس.

سوال :

آیا این شناسایی الزامی است یا اختیاری؟
عده این قائل به الزامی بودن هستند اما با توجه به نظریه اراده و رضایت کشورها در پیوستن به یک معاهده و زیاد بسخ المللی به نظریه رد عمل شناسایی باید اختیاری باشد و شناسایی کشور به معنای شناسایی حکومت نیز می باشد.
زمان شناسایی :

حکومت جدید زمانی شناسایی می شود که شرط لازم استقرار سلطه را داشته باشد یعنی در سراسر قلمرو داخلی کشور از قدرت واقعی و ثبات سیاسی برخوردار باشد و قادر به انجام تعهدات بین المللی باشد.
انواع شناسایی :

۱- دو فاکتو Defacto (شناسایی موقت) این شناسایی برای احتیاط است.
ویژگی ها: الف) موقت است ب) قابل لغو است ج) دارای آثار محدود است
د) برای عدم شتاب نزدیکی در شناسایی است
پس - نه با او معاهده می بندند و نه عضو سازش می کنند.

۲- دو ژوره Dojure (شناسایی دائمی)
ویژگی ها: الف) قطعی است ب) غیر قابل لغو است ج) کامل و تمام است
د) کلیه آثار شناسایی را به همراه دارد (شناسایی مطلق و بدون قید)
نکته :

شماره به اثر کردن دو ژوره قطع روابط دیپلماتیک است.
چنانچه کشورها:

مانند یوگسلاوی که تبدیل به کشور شد.
اصل چنانچه کشور به جای کشور دیگر از اصول حقوق عرفی است.
این چنانچه یک اصل کلاسیک است.
حقوق چنانچه کشورها در آن معاهده بحث شده است :

- ۱) عهدنامه وین در زمینه چنانچه کشورها بر معاهدات
- ۲) عهدنامه وین در زمینه چنانچه کشورها بر اموال، اسناد و دیون

۳) عهدنامه وین در زمینه جانشین کشورها به جزه معاهدات تعریف جانشین طبق معاهده می وین:

کشوری به جای کشور دیگر مسئولیت بین المللی را در یک سرزمین بر عهده می گیرد.
انواع جانشین (تغییر انتقال مالکیت):

۱) اضطلاع: کشوری کل سرزمین خود را از دست بدهد و کشور یا کشورهای جدیدی به جای آن یا آنها تأسیس شود، این وضعیت را اضطلاع یا نابودی می گویند.

۲) هدایه: کشوری بخشی از سرزمین خود را از دست بدهد و کشور جدیدی در آن قسمت تأسیس شود.

۳) استقلال: کشوری بر اثر رهایی از استعمار در سرزمین معینی تأسیس شود.

۴) انضمام: کشوری بخشی از سرزمین خود را به نفع کشور دیگری از دست بدهد.

کشور پیشین و کشور جانشین:

کشوری که مالکیت خود را در تمام یا بخشی از سرزمین از دست بدهد کشور پیشین گویند و کشوری که به جای او در آن سرزمین اعمال مالکیت کند کشور جانشین گویند.

آثار حقوقی جانشین کشورها:

آیا حقوق و تعهدات کشور پیشین به کشور جانشین منتقل می شود یا خیر؟

اموال دولتی و عمومی: اموال دولتی کشور پیشین شامل اموال منقول و غیر منقول، حقوق و منافع است که در زمان جانشین کشورها از کشور پیشین به کشور جانشین منتقل می شود چرا که بر اساس حقوق داخلی کشور پیشین بوده است و این انتقال اموال بدون پرداخت و بلا عوض می باشد.

کلیه اموال پیشین در صورتی به کشور جانشین منتقل می شود که تمام سرزمین پیشین به کشور جانشین منتقل شده باشد اما اگر فقط بخشی از سرزمین انتقال یافته باشد اموال همان بخش به کشور جانشین منتقل می شود. (منبای انتقال: ۱) حقوق عرفی (۲) رویه قضایی بین المللی)

اسناد و مدارک دولتی: مجموعه ای اسناد و مدارک از کشور پیشین به کشور جانشین منتقل می شود اگر به خارج از سرزمین انتقال یافته باشد باید به کشور جانشین منتقل گردد. (منبای انتقال: ۱) دکترین

(۲) رویه قضایی بین المللی)

اموال خصوصی: اصل بر این است که جانشین موجب انتقال مالکیت افراد بر اموال خصوصی نمی شود زیرا بعضی از حکومت ها بعد از انقلاب اموال را ملی اعلام می کنند تا کسی نتواند مال را از کشور

خارج کند.

کشور جانشین اگر بخواهد اموال خصوصی کشور پیشین را صادره کند فقط نسبت به اتباع کشور جانشین می تواند اعمال کند.

اگر مالک از اتباع کشور پیشین یا ثالث باشد کشور جانشین باید حداقل معیارهای بین المللی را در مورد رفتار با بیگانگان رعایت کند. (۱- پرداخت غرامت ۲- حذف عمومی داشته باشد.)
جانشین کشورها در دیون و مطالبات خارجی:

دیون رژیم بهره های خارجی است که حکومت برای نفع بردن در سیاست خاص هزینه کرده است مثل هزینه های جنگی و یا در زمان صلح برای ساخت کردن مردم.
هرگونه تعهد مالی کشور پیشین در قبال هر کشور یا سازمان بین المللی و یا هر تابع دیگر حقوق بین الملل ایجاد شده باشد به کشور جانشین منتقل می شود.

فرانز انتقال دیون:

مالک نسبت به بستانکار و بابت نظر گرفتن اموال و حقوق و منافع که در رابطه با این بهره ایجاد شده به کشور جانشین منتقل می شود.

قاعده می مذکور در صورتی قابل اعمال است که کشور پیشین سرزمین را به طور کامل از دست داده باشد اما اگر بخشی از سرزمین از دست رفته باشد تنها قسمتی از بهره کشور پیشین را بر عهده می گیرد.
اگر کشور پیشین به چند کشور منتقل تقسیم شود عادلانه آن است که میان کشورهای جانشین بهره ها تقسیم شود.

در مورد نسبت بهره ها به هر کشور باید با انعقاد معاهده مشخص گردد؛ معمولاً این تقسیم (۱) به نسبت جمعیت (۲) درآمد ملی (۳) صادرات و واردات است.

مطالبات: در انتقال مطالبات (مستوفی از مطالبات وام های قرض های یا تعهدات خارجی نسبت به کشور پیشین است) قاعده می عرفه این است که مطالبات کشور پیشین به کشور یا کشور های جانشین منتقل می شود و سهم آنها مانند دیون تقسیم می شود.

حقوق عمومی در دوره می جانشینی: تابعیت، حقوق ملکیت، انتقابات، حق اشتغال، صلاحیت قضایی و ...

در صورتی می توان حقوق عمومی را نسبت به کشور جانشین استمدار داد و قابل اعمال دانست که در این باره توافق صریح میان کشور پیشین و کشور جانشین وجود داشته باشد و نه توان کشور جانشین را به

زاده طر هاین که کشور پسین بر این حقوق عمومی در نظر گرفته بود ملزم کرد.

مسئولیت بین المللی:

یک نهاد است مانند قواعد آمده یا اصل منع تجاوز. نهادت زمانی است که دارای تشکیلات خاص باشد.

سوال:

اگر کشور پسین حقوق بین الملل را نقض کرد آیا به کشور هایش منتقل می شود؟

جانشین کشور هاید مسئولیت بین المللی دولتها تأثیر نمی گذارد زیرا اصول عام مسئولیت بین المللی در خصوص قواعد مربوط به عدم قابلیت انتصاب افعال ناشروع یا خلاف هر عقیده ای را که حاکی از تداوم مسئولیت ناشی از ترک فعل یا فعل باشد از متحمل خود خارج می کند.

بنابراین هرگونه ادعایی برای هر ان هنارات ناشی از افعال خلاف حقوق بین الملل کشور پسین در مقابل کشور هایش منع نخواهد بود و تنها کشور پسین در صورت تداوم متحمل افعال خود باقی خواهد ماند به علاوه چنانچه کشور پسین قبل از اخلال علیه کشور دیگری ادعایی داشته باشد با اضمحلال ادعای مزبور نیز مساوی می شود.

بر مبنای نوع مظهر کشور های جدید موجودیت خود را آغاز می کند و از حلال موجب از بین رفتن ادعای مدعی و مدعی علیه می شود.

حاجت مسئولیت کشور ثالث در حمایت دیپلماتیک:

حاجت دیپلماتیک: کشوری از تبعی خود در کشور دیگر حمایت کند.

مسئولیت هایب (مداخله بشردوستانه): اگر دولتی در حمایت خود دچار اتفاقات زرد بشیری بصد مثلا عده این علیه حقوق بشر (مثل کش) به یا هنزند و دولت مرکزی ضعیف باشد این کشور به کشور های دیگر اجازه می دهد آنها دخالت کنند و از این محل زرد بشیری جلوگیری کنند.

رابطه بین مسئولیت ثالث با حاجت دیپلماتیک:

چنانچه قبل از تغییرات سرزمینی عمل ناقض حقوق بین الملل موجب هنارت به شخص گردد در زمان وقوع هنارت تابعیت کشور پسین را داشته باشد آیا کشور هایشین حق دارد به منظور پسین سیدین مسئولیت یک کشور ثالث حاجت دیپلماتیک خود را به شخص زیان دیده اعمال کند؟

اصل عام: حاجت دیپلماتیک به منزله ای مجلی صلاحیت فزوری کشورها تنها به نفع اتباع یک کشور قابل اجراست و دیوان به دلیل اینکه قمر با من در زمان هنارت هنوز تبعی کشور هایشین بوده است به سوال

پایه منفرد داده است یعنی اصل حمایت دیپلماتیک را در مورد چنین افرادی قابل اعمال ندانسته است (رویه قضایی).

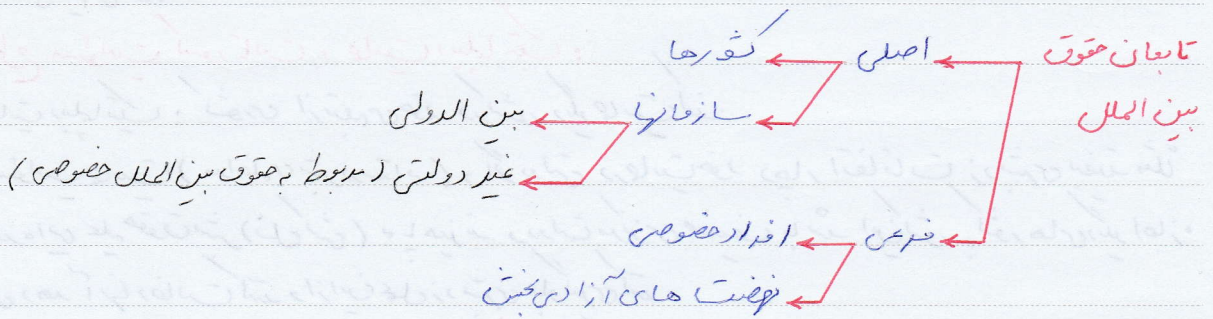
از حیث نظری: از حیث نظری حمایت دیپلماتیک در صلاحیت کشور مبدأ است اما چون قاعده استقرار تابعیت قریب به اکثر شرایط اعمال عالمیت است این مانع بر این اعمال صلاحیت کشور مبدأ است بین اعمال متعلقه بین المللی کشور مبدأ که در مثال کشور ثالث ارتکاب یافته قابل انتقال به کشور جانشین نباشد لذا مسئولیت بین المللی ناشی از اعمال سووم کشور جانشین نباشد و همواره بر عهده کشور مبدأ در صورت موجودیت باقی می ماند.

در صورت از حلال کامل مسئولیت خودم خود منفرد است مگر آنکه کشور جانشین تمام مسئولیت کشور مبدأ را بپذیرد.

عضویت در سازمان های بین المللی:

اگر کشور جانشین کشور جدید التأسیس باشد آیا با حق کامل در سازمان های بین المللی که کشور مبدأ عضو بوده عضویت او نیز پذیرفته می شود؟

طبق قاعده کلی ورودی سازمان ملل متحد چنین کشورهایی باید به طور جداگانه عضویت در سازمان های بین المللی را درخواست کنند.



سازمان های بین المللی دولتی تابع نظام حقوقی ویژه ای هستند به نام حقوق سازمان های بین المللی. حقوق سازمان های بین المللی: مجموعه قواعدی که بر سازمان های بین المللی حاکم است مثل اسناد سازمان، عهدنامه وین، قطعنامه های سازمان، معاهدات بین کشورها و سازمانها. مهم ترین مباحث در حقوق سازمان های بین المللی:

- ۱- شخصیت حقوقی بین المللی سازمانها
- ۲- اهلیت انعقاد معاهدات بین المللی توسط سازمانها
- ۳- انواع صلاحیت سازمانها
- ۴- استیارات و مصونیت های قضایی واجرای سازمانها

۵- استقلال مالی و بودجه ای سازمانها

۶- صلاحیت مربوط به مقر سازمانها (اعلامیه مقر)

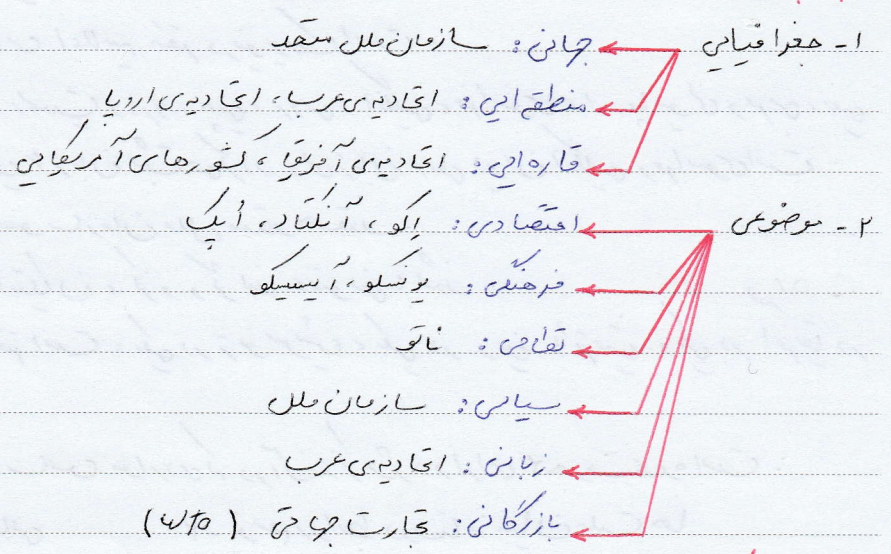
مفهوم سازمان بین المللی:

عبارت است از اجتماع نهادینهی گروهی از کشورها که به منظور تحقق هدف های معین و مشترک در زمینه های مختلف اعم از اقتصاد، سیاست، فرهنگ، اجتماعی، مالی، بازرگانی و غیره بایجاد می گردند.

نکته:

بنیاد تأسیس هر سازمان بین المللی معاهده می نویسند که همان اساسنامه سازمان است و معاهدات مؤسس سازمان تابع حقوق معاهدات بین المللی است.

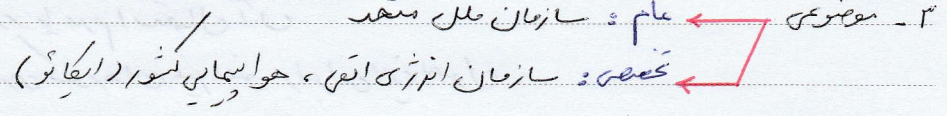
طبقه بندی سازمانها:



خصوصیات کلی سازمانهای بین المللی:

- ۱) دارای استقلال و شخصیت حقوقی بین المللی مستقل از کشورهای عضو
- ۲) دائمی بودن یا دارای دوام و استمرار
- ۳) داشتن تسهیلات و ارکان منظم
- ۴) اراده ای بودن عضویت و مشارکت و همکاری

انواع مختلف سازمانها: اتحادیه، مجمع، مؤسسه و مقام



- ۴- اختیارات
- گسترده: اتحادیه اروپا
 - محدود: کنفرانس اسلامی، ایک

مهم ترین سازگانها:

۱- سازمان ملل متحد: برای وجود آئین ۷ کنفرانس و اعلامیه شکل گرفت
 منشور دارای ۱ مقدمه و ۱۱ ماده است و دارای یک ضمیمه که همیشه با منشور است و دارای ۱۱ ماده می باشد که مربوط به اسناد ICJ دیوان دادگستری بین المللی است.
 منشور مانند قاعدی لایحه است که در تمام احکام حاکم است، بین منشور بر تمام معاهدات بین المللی حاکم است که این نکته در عاده ۱۳ منشور اشاره شده است.
 مقر سازگان ملل بر اساس اعلامیه مقر در نیویورک است.
 در این سازگان ۶ زبان رسمی دارد، چینی، روسی، انگلیسی، فرانسوی، اسپانیولی و عربی، یعنی تمام اسناد مدارک به این ۶ زبان ثبت می گردد ولی زبان رسمی دیوان انگلیسی و فرانسوی است.
 در حال حاضر ۱۹۳ کشور عضو سازگان ملل متحد هستند.
 چین تایپه (تایوان)، ویتنام، کوبا و کره جنوبی عضو نیستند.
 این سازگان دارای ۳ دفتر است، یکی در ژنو سوئیس، یکی در وین اتریش و یکی در آفریقا در نایروبی.

اهداف منشور: منشور بر اساس مواردی که در آن ذکر شده دارای ۴ هدف مجده است:

- ۱- حفظ صلح و امنیت بین المللی
- ۲- توسعه روابط دوستانه میان ملت ها
- ۳- همکاری بین المللی در حل مسائل و اختلافات بین المللی
- ۴- وجود مرکزی برای هماهنگ کردن اقدامات ملت ها

اصول منشور:

- ۱- اصل برابری حاکمیت اعضا
- ۲- اصل حسن نیت در اجرای تعهدات که کشورهایی عضو نیستند
- ۳- اصل حل اختلافات بین المللی از طریق مسالمت آمیز
- ۴- اصل عدم تهدید بزرگ یا عدم استعمال آن
- ۵- اصل همراهی و همکاری کشورهای غیر عضو بر اساس این اصول
- ۶- اصل حمایت از اقدامات سازگان ملل متحد
- ۷- اصل عدم مداخله در امور که ذاتاً در صلاحیت ملی کشورهاست مثل انتخابات

ارگان مشترک سازمانها:

- ۱- شورا
- ۲- مجمع
- ۳- دبیرخانه
- ۴- مجمع ملل مختلف

ارگان سازمان ملل متحد:

- ۱- مجمع عمومی
- ۲- شورای امنیت
- ۳- شورای اقتصادی و اجتماعی

- ۴- دیوان بین المللی دادگستری
- ۵- دبیرخانه
- ۶- شورای اقتصادی

مجمع عمومی: ارگان اصلی و جهانی است که همه کشورهای عضو حق رأی دارند و هر کشوری تواند حداکثر ۵ نمایندگی در مجمع عمومی داشته باشد.

این مجمع سالانه دارای یک اجلاس عمومی است که از سپتامبر تا دسامبر به مدت ۳ ماه برگزار می شود. مجمع عمومی دارای ۶ کمیته تخصصی است: ۱- کمیته صلح و تسلیح و امنیت بین المللی ۲- کمیته اقتصادی و مالی ۳- کمیته اجتماعی، انسانی و فرهنگی ۴- کمیته و برنامه های سیاسی و استعمارزدایی ۵- کمیته امور اداری و بودجه ۶- کمیته حقوقی. مجمع عمومی هر موضوعی را که مربوط به صلح و امنیت بین المللی باشد در آن می تواند بحث کند، اما اگر شورای امنیت در موضوعی که مربوط به صلح باشد دخالت کرده باشد مجمع دیگر حق دخالت ندارد. وظایف و اختیارات خاص مجمع:

- ۱- تصویب بودجه سالانه سازمان و تعیین حق عضویت اعضا به منظور تأمین هزینه های سازمان
- ۲- انتخاب اعضای غیر دائمی شورای امنیت سازمان ملل
- ۳- انتخاب اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی
- ۴- انتخاب اعضا و مأموران برای مؤسسات و سازمانهای وابسته
- ۵- تأسیس نهاد های بین المللی برای پیش برد اهداف

نکته:

تصمیمات و قطعنامه های مجمع عمومی بیشتر جنبه توصیه ای دارد یعنی بار حقوقی ندارد و پس بار سیاسی دارد.

مهم ترین سازمانهای وابسته به مجمع:

- ۱- یونیسف (صندوق حمایت کودکان ملل متحد)
- ۲- کارگزاران
- ۳- هیاتین و حکامین ملل متحد برای بناهندگان و آوارگان فلسطینی
- ۴- کوساریای بناهندگان ملل متحد
- ۵- مؤسسه کارآموزی و تحقیقاتی ملل متحد

شورای امنیت: دارای ۱۵ عضو است که ۵ عضو آن (انقره است که فائز جنگ جوان، روم هستند، مسدین) چین، فرانسه، انگلیس، روسیه و آمریکا. عضو دائم غیر دائم هستند که هر دو سال توسط مجمع عمومی انتخاب می شوند.

غیرنهاد وابسته به شورای امنیت:

- ۱- کتبه ستاد نظامی
 - ۲- کمیسیون صلح سلام
 - ۳- کتبه کارشناسان
 - ۴- کتبه پذیرش اعضای جدید
 - ۵- کتبه محرم
 - ۶- صندوق غرامت جنگ عراق علیه کویت
- وظایف و اختیارات شورای امنیت:

- ۱- مؤسسه اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی
 - ۲- توصیه روشهای مسالمت آمیز حل اختلافات بین المللی
 - ۳- توسل به قوه قهریه برای اعاده صلح در صورت لزوم
 - ۴- تأسیس ارکان فرعی که براساس انجام وظایف لازم است.
- وظایف مشترک مجمع و شورای امنیت:

- ۱- پذیرش اعضای جدید در سازمان ملل
 - ۲- تعلیق حقوق و امتیازات عضویت در سازمان ملل
 - ۳- اقراب عضو خاضع از سازمان ملل
 - ۴- انتخاب دسکل سازمان ملل
 - ۵- انتخاب قضات دیوان
 - ۶- تجدید نظر در منشور ملل متحد.
- شورای اقتصاد و اجتماع:

مأموریت:

- ۱- اقتصاد، اجتماع، فرهنگ، تربیت و بهداشت که از طرف سازمان ملل این مأموریت داده شده به این پیش برد حقوق بشر و آزادی های اساسی و هم چنین ارتباط با مؤسسات تخصصی ملل متحد.
 - ۲- هماهنگ سازی فعالیت های مؤسسات تخصصی وابسته به سازمان ملل.
- این شورا دارای ۵۴ عضو است که براساس تقسیم جغرافیایی براساس ۳ سال توسط مجمع عمومی انتخاب می شوند و در سال ۲ بار اجلاس دارد.

دبیرخانه: رکن اداری و فنی سازمان ملل متشکل است.
وظایف و اختیارات دبیرکل:

- ۱) وظایف اداری: دبیر دبیرخانه را بالاترین مقام اداری سازمان ملل (دبیرکل) است.
- ۲) سیاسی: توم دادن شورای امنیت و مجمع عمومی در زمان صلح و امنیت بین المللی به خط می افتد، دعوت برای تشکیل شورای امنیت، حق حضور در جلسات ارکان و دادن اعلامیه یا بیانیه.

۳) اطل عامی: ثبت و انتشار معاهدات بین المللی، تسلیم گزارش سالانه ای اقدامات انجام گرفته.

نکته:

کارمندان سازمان ملل در هر جایی که حضور دارند دارای مصونیت و امتیازات دیپلماتیک هستند.

سازمانهای تخصصی وابسته به سازمان ملل:

- ۱- سازمان آبربر، علمی و فرهنگی یونسکو در پاریس فرانسه: کارش مسائل فرهنگی دنیا است و تا مدت ثبت ختم همسده رتبه بندی دانشگاه ها دارد.
- ۲- گروه بانک جهانی در واشنگتن آمریکا که زیر مجموعه ای آن: بانک المللی توسعه، مرکز بین المللی خصلت به اختلافات ناشی از سرمایه گذاری، موسسه ای تضمین چیدمان سرمایه گذاری.
- ۳- صندوق بین المللی پول در واشنگتن آمریکا.
- ۴- سازمان انرژی اتمی (آژانس بین المللی انرژی اتمی)
- ۵- سازمان تجارت جهانی WTO در ژنو سوئیس.
- ۶- مقام بین المللی ابحاق دریاها
- ۷- دیوان کنفرانس بین المللی ICC

سازمانهای منطقه ای:

سازمانهای اروپایی:

- ۱- ناتو (سازمان آتلانتیک شمالی): این سازمان در مقابل سازمان به نام ورشو تأسیس شد. ورشو متحدان شوروی بودند.
وظایف: همکاری سیاسی و نظامی مشترک بین اعضا، دبیرخانه ای آن در شهر بروکسل به ترتیب است.
- ۲- شورای اروپا: با هدف گسترش همکاری سیاسی تأسیس شد.
دارای ۲۶ رکن است: الف- وزیران خارجی کشورهای اروپایی ب- مجمع پارلمانی که دارای ۴۵ عضو است
وظایف: تمیز کردن مسائل حقوق بشری و برابری جنس، دوزخا تأسیس کرده است:
۱- کمیسیون اروپا به حقوق بشر
۲- دادگاه اروپا به حقوق بشر
- ۳- اتحادیه اروپا: مسئله از ۳ سازمان است:
۱- جامعه ای اروپایی زغال سنگ و فولاد
۲- جامعه ای اقتصادی اروپا
۳- جامعه ای اقر اروپا

ارکان ارتقا :

- ۱- شورای اروپا
- ۲- پارلمان اروپا (دارای ۵۶۵ عضو است)
- ۳- شورای وزیران
- ۴- دیوان دادگستری اروپا
- ۵- کمیسیون ها

سازمانهای آسیایی و آفریقایی :

۱- اتحادیه عرب : هم آسیایی است و هم آفریقایی زیرا املاک عرب زبان بودن است .
حرف گسترش همکاری و تقویت آن در همه زمینه های اقتصادی ، فرهنگی ، سیاسی ، اجتماعی ، بهداشتی ، قضایی و نظامی .

دیبرخانه ای آن در قاهره مصر است .

۲- اتحادیه آفریقا (سازمان وحدت آفریقا)

وظایف : پیش برد اتحاد و همبستگی کشورهای آفریقایی و برانداختن هرگونه استعمار .

سازمان فدرال منطقه ای :

سازمان همکاری اسلام :

عوامل تسکین این سازمان : ۱- جنگ ۶ روزه عرب با اسرائیل در سال ۱۹۶۷

۲- آتش کشیدن مسجد الاقصی توسط اسرائیل

در سال ۱۹۶۹ در ریات مراکش در گروه های سران کشورهای اسلام این سازمان شکل گرفت .

اهداف :

۱- ارتقاء و همبستگی اسلامی و همکاری میان اعضا .

۲- پشتیبانی از مبارزات مردم فلسطین در کسب حقوق و آزادسازی سرزمینشان

۳- افزایش همکاری و تقاضای میان کشورهای عضو و سایر کشورهای جهان

ارکان سازمان :

۱- کنفرانس سران هر ۴ سال یکبار در یکی از کشورهای اسلام تسکین می شود .

۲- کنفرانس وزیران خارج که سالی یکبار اجلاس عاری دارند

۳- دیبرخانه (محل اصلی آن بیت المقدس است و در دلیل اشغال بودن آن موقتاً در جده عربستان است)

۴- دادگاه عدل اسلام (غیر فعال)

ارکان فدرال سازمان :

- ۱- کمیته ارشاد
- ۲- صندوق حمایت از قدس
- ۳- آژانس بین المللی خبرگزاری اسلام

۴- بانک اسلامی توسعه
۵- سازمان هلال احمر اسلامی که در مقابل صلیب سرخ است
۶- آی سسلو (سازمان علف و فرشته کشورهای اسلامی)

نکته :

۵۷ کشور عضو این سازمان هستند و از اروپا فقط آلبانی عضو این کشور است .

انحاص خصوصي (حقیقه - حقوق) :

کشورها در مقابل رفتار با افراد تبعه و بیگانه دارای اختیارات انحصاری هستند ، به این اختیار صلاحیت سرزمین گویند .

این صلاحیت در دوره جدید محدود شده است و کشورها این محدودیت ها را پذیرفته اند زیرا منافع بین المللی در میان است .

روش هایی که دنیا و حقوق بین الملل برای حمایت اخراج کار می گیرند :

۱- اسناد بین المللی حقوق بشر :

الف - منشور ملل متحد

ب - اعلامیه جهانی حقوق بشر ، این اعلامیه دارای ۱۴ ماده و ۳۰ ماده است . مثلاً در ماده ۱۹ بیان شده : انسانها بر این تفهیم دین و مذهب آزاد هستند .

ج - میثاق های بین المللی : **نیل اول حقوق بشر** ، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است .

نیل دوم حقوق بشر : میثاق حقوق اجتماعی ، فرهنگی و اقتصاد است چون مباحث

حق کار ، تأمین اجتماعی ، رفاه و آموزش و سواد در آن بیان شده .

نیل سوم حقوق بشر : حقوق همسنگ که در آن حق توسعه ، حق محیط زیست و حق صلح

جست شده .

نیل چهارم حقوق بشر : در آن حق ارتباطات و حق آزادی بیان و اطلاعات

رسانه بیان شده .

صیقات و صنوف افراد خصوصی :

۱) کارگران ۲) پناهندگان و بی تابعیت ها ۳) زنان ۴) کودکان

حمایت از کارگران : (سازمان بین المللی کار)

این سازمان هر ساله گزارش از بی کاری کارگران ارائه می دهد . سن کارگران را تعیین می کند . اتحادیه های کارگری در این سازمان عضو هستند .

همای از پناهندگان :

شکل پناهندگان سیاسی نشی شود و منظور از پناهندگی، پناهندگی سرزمین است.
 کمیساریای عالی پناهندگان : گزارش تهیه می کند و کمک می کند به کشورهایی که پناهنده دارند.
اعلامیه پناهندگی سرزمین معيوب جمع عمومی سازمان ملل : در این اعلامیه بیان شده که کشورهای عضو باید نسبت به پناهندگان بدون تبعیض رفتار ملتی را معمول دارند یعنی رفتار مساوی با اتباع کشور پذیرنده یا میزبان سرزمین آزاد می فرزند، مراجع به دادگاه ها، تمسک و آموزش و امداد عمومی و بهداشت است.

چهار نوع رفتار با پناهندگان :

- ۱- رفتار ملل : کشورها باید با پناهندگان رفتار معمولی را داشته باشند که با اتباع خود دارند.
- ۲- رفتار معیار حداقلی : رفتار با پناهندگان طوری باشد که نشانه ی یک ملت متقدم است. بهترین رفتار این نوع رفتار است.
- ۳- رفتار حداقلی ، رفتار متقابل : حداقل رفتار که متقابلاً از سوی کشور دیگر نسبت به اتباع آن کشور صورت می گیرد.
- ۴- رفتار کامل الوداد : کامل الوداد یعنی اینکه کشور الف با پناهنده ای بسمت آن استیازات را رد و بدل کرده اند از کشور شکا الف با کشور ج معاهده ای بسته اند که در آن استیازات بیشتر به کشور ج داده شده آن استیازات به کشور ب هم داده می شود.
 باطنی ی تبعی یک کشور طوری رفتار کند که به هم من وجه ممکن با پناهندگان تبعی کشور دیگر رفتار می کند.

همای از زنان :

عهدنامه رفع طلبه اشغال بعضی علیه زنان :

کشورهای اسلامی با حق شرط این عهدنامه را پذیرفته اند.
 بحث حق طلاق ، سقط جنین که کشورهای اسلامی در قراردادان حقوق بشر با آن مخالفت ، حفظ تابعیت مستقل.

همای از کودکان :

کنوانسیون حقوق کودک :

مبارسی که در آن بحث می شود ، کودک آزاری ، حضانت از کودک ، در این کنوانسیون مصلحت کودک را ملاک قرار می دهد یعنی شداً کودک می گوید من می خواهم من مادرم باشم البته با رعایت صلاحیت یعنی اگر مادر مقدار باشد صلاحیت را از دست می دهد.

یونیسف (صندوق کودکان ملل متحد)

نهادهای حقوق بشری:

الف) نهاد های مستقل که بر اساس قطعنامه های مجمع عمومی بوجود آمده اند:

۱) شورای حقوق بشر: (قبله آن کمیسیون حقوق بشر گفته می شد)

این شورا ۴۷ عضو دارد که از میان افراد واحد صحت و شایسته توسط کشورهای عضو به مدت ۳ سال و بر اساس سهمیه بندی جغرافیایی انتخاب می شوند.

۱۳ نفر از آفریقا، ۱۳ نفر از آسیا، ۸ نفر از اروپای شرقی، ۸ نفر از آمریکا لاتین و ۷ نفر از اروپای غربی و سایر کشورها.

وظایف شورا: ۱- ارائه پیشنهاد و توصیه و گزارش به مجمع عمومی در زمینه حقوق بشر

۲- رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر در چهارچوب آیین نامه و بین الدولی و صدور قطعنامه محکومیت.

۳- برقراری نظام نظارتی جهانی از طریق گزارش سالانه حقوق بشر برای کلیه کشورها.

مخبر های درگیری ایران یا شورا: ۱- زندان های سیاسی ۲- آزادی های جنسی

۳- آزادی ادیان، مذاهب و آزادی بیان ۴- اعدام ها

ایران به تأسیس این شورا رأی مستنفع داده بود و آمریکا و اسرائیل رأی منفی داده بودند.

۲) کمیسیون عالی حقوق بشر:

وظیفه: هماهنگ کننده فعالیت های حقوق بشری در سازمان ملل و هم چنین ناظر بر فعالیت های

شورای حقوق بشر است، مرکز آن در ژنو سوئیس است.

۳) کمیسیون مقام زن:

توسط شورای اقتصاد و اجتماعی بوجود آمده و از ۴ عضو برای مدت ۴ سال انتخاب می شوند. مقر آن در شهر نیویورک آمریکا است.

وظیفه: تدوین معاهدات و اسناد در حیطه حقوق زنان (نقشه این کمیسیون فمینیستی است).

ب) نهاد های معاهده ای:

سازمان ها این نهادها را خارج از قطعنامه شکل می دهند و این معاهده اساسنامه می شود.

۱- کنفرانس حقوق بشر برای پیشاق حقوقی، مدنی و سیاسی.

۲- کنفرانس حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

۳- کنفرانس رفع تبعیض نژادی.

۴ - لکته می منع شکنجه
۵ - لکته می حقوق کودک

مسئولیت کیفری اجزا در حقوق بین الملل:

متصور جبرانی است که توسط افراد در نظام بین المللی اتفاق می افتد مثلاً فرد بمبلی را در کشوری انجام می دهد که همدی کشورها آن را جرم می بیند از آن.
مفهوم جرم بین المللی: محلی است مخالف حقوق بین الملل که جامعه می بین المللی بر اساس عرف یا معاهده آن را جرم انگاشته باشند. معاهده یا عرف یک محل را جرم قرار می دهد فاقد تجاوز که عرف آن را جرم قرار داده.

اصل قانون بودن جرم و مجازات: در حقوق بین الملل هم مانند حقوق داخلی اگر قانون محلی را جرم تلقی نکرده باشد آن محل جرم نیست.
عامل جرم: عامل جرم ممکن است یک شهروند ساده و یا یک مقام بلند پایه کشور باشد، در هر حال شخص حقیقی ملایک است.

انواع جرائم بین المللی:

- ۱- جنایت علیه صلح و امنیت بین المللی: نقض مجده و فاش هر تعهد بین المللی که برای حفظ صلح و امنیت بین المللی اهمیت اساسی دارد مثل ممنوعیت تجاوز.
- ۲- جنایت علیه بشریت: نقض مجده و فاش هر تعهد بین المللی که برای حفظ وجود انسان و تضمین حق ملت ها در نقض آزادی از شهروست آنان و تضمین حفظ محیط زیست آنان اهمیت اساسی دارد مثل برده داری، تبعیض نژادی، نسل کشی (ژنوساید)، آلودگی گسترده می هوا و دریا، استقرار یا حفظ جابرائی سلطه ای استعماری، تبعید یا کوچ اجباری یک جمعیت، شکنجه، تجاوز جنسی، هوس کردن یا ایجاد مجروحیت شدید، ایجاد رنج شدید یا صدمه می شدید جسمی و روحی، دزدی دریایی و هواپیما ربایی، تروریسم.

نکته:

رسیدی به این جرائم در صدمت دارگاه های داخلی است.
۳- جنایات جنگی: نقض فاش قواعد و مقررات حقوق جنگ یا حقوق خاصیات مسلمانان شامل مرده نامه های چهارگانه ی ژنو و پروتکل های الحاقی و قواعد عرفی حقوق بین الملل، عالم بر خاصیات مسلمانان، مانند جنایات ارتكابی علیه افراد غیر نظامی، جنایات ارتكابی علیه مسجونان و اسیران جنگی، غارت اموال عمومی یا خصوصی در زمان جنگ، حمله و سب باران و تخریب شهرها

در ویستاها وزیر ساختارهای کشور.

رسیدگی به جرائم بین المللی:

ابتدا در صلاحیت دادگاه دافنر است و دیوان کیفری بین المللی (ICC) یک صلاحیت تکمیلی است یعنی اثر رسیدگی دافنر، رسیدگی مطلوبی نیست در آن صورت دیوان کیفری رسیدگی می کند. کشورهای حلقه مقررات معاهدات (کشورهایی که عضو دیوان هستند) مستعدی شوند که حکم تدابیر لازم جهت جلوگیری، محاکمه و مجازات جرائم را به کار بندند.

در اساسنامه دیوان ذکر شده، دیوان صلاحیت محاکمه و تعیین مجازات برای کلیه اشخاص حقیقی زیر که مرتکب می کند از جنایات بین المللی که مشمول صلاحیت ذاتی دیوان شده اند را دارد.

- ۱) اشخاص که در قلمرو یکی از کشورهای عضو اساسنامه دیوان یا کشور تسلیم کننده می اعلامیه پذیرش صلاحیت دیوان و یا در کشور یا هواییای ثبت شده در آن کشورها مرتکب می از جنایات شده باشند.
- ۲) اتباع یکی از کشورهای عضو اساسنامه دیوان یا کشور تسلیم کننده می اعلامیه پذیرش صلاحیت که در هر نقطه جهان مرتکب می کند از آن جنایات شده اند.

۳) اشخاص موضوع قطعنامه شورای امنیت.

شورای امنیت وضعیتی را که در آن یک یا چند جنایت به نظر می رسد ارتکاب یافته است به موجب فصل هفتم ملل متحد به دادستان دیوان ارجاع می دهد.

طبق قطعنامه ۱۵۹۳ در باره جنایات ارتکابی در دافنر سودان شورای امنیت پرونده را به دیوان ارجاع داد و دادستان وقت دیوان با یقین ششم دیوان حکم بازداشت عمر البشیر رئیس جمهور سودان و تعدادی از دولت میدان را صادر کرد.

پس اعمال صلاحیت دیوان در محاکمه و مجازات منوط به درخواست یکی از کشورهای عضو یا شورای امنیت و یا دادستان دیوان است.

مجازات های دیوان:

۱) حبس مدت دار که نباید از سه سال بیشتر شود.

۲) مجازات های حبس ابد در موارد خاص و اعدام.

۳) در صورت لزوم جزای نقدی.

تأبجان منقول :

تأبجان مقال دولتی و سازمانها هستند که هم واضع و هم موضوع هستند .
اما تأبجان منقول که فقط موضوع هستند (NGO) از قمار زمین است :

۱) سازمانهای بین المللی غیر دولتی :

تعریف کلی (سلبی) : هر سازمان بین المللی که در نتیجهی اتفاقاً (معاهده که بوجود نیامده باشد) آن سازمان غیر دولتی است .

تعریف جامع : سازمان غیر دولتی نهادی است که به ابتکار اعضاء بحث حضور و یا مشترک و یا مفاد با بحث عمومی و خارج از هرگونه توافق بین دولتی تأسیس شده است و در آن اشخاص
حضور اعم از حقیقی و حقوقی و یا اشخاص عمومی یا تأسیسات های تواناگون را گروه
می آورد .

اسامی : انجمن ، جمعیت ، مؤسسه ، مردم نهاد

در سال ها منتهی از ۱۰۰۰۰۰ سازمان غیر دولتی در جهان فعالیت می کنند .

خصوصیت مشترک سازمانهای غیر دولتی :

۱- عام النفع بودن : شامل همه مردم است و برضد شرکتها می چند ملیتی نباید جنبه ای انتفاعی داشته باشند .

۲- شخصیت حقوقی بین المللی دارند مثل کسبه بین المللی صلیب سرخ جهانی ، اتحادیه حمل و نقل بین المللی هواپیما .

مشو این شخصیت حقوقی بین المللی را می مشورتی دیوان است نه به لحاظ وجود نمایندگان کشورها در یک سازمان بلکه به لحاظ عملکرد آن در سطح بین المللی است که اعطای می شود .

۳- دارا بودن سازمان و تشکیلات منظم

اتحادیه های انجمن های بین المللی که مقر آن در بلژیک است وظیفه های هماهنگی و سازماندهی فعالیت های سازمانهای بین المللی را دارا است .

۴- دارا بودن ارتباط گسترده با سازمان های بین الدولی : مرکز مشورتی معسوب می شوند برای سازمانهای بین الدولی مثل سازمان ملل متحد که براساس ماده ۷۱ منشور از طریق شورای اعتمادی - اجتماعی این امر صورت می گیرد .

فصل ۲۰۱۰ سازمان در سازمان ملل ثبت شده است .

۵- دارا بودن فعالیت های فرا مرزی و طبق نظر اتحادیه های انجمن بین المللی یک سازمان غیر دولتی باید حداقل در ۳ کشور فعالیت داشته باشد و اعضای آن حداقل از اتباع ۳ کشور باشند.
۲) شرکت های چند ملیتی (فرا ملیتی) :

واحد اختصاصی مخصوص است که مرکز تصمیم گیری اصلی و محل ثبت اولیه آن در یک کشور معین است اما در همه فعالیت آن به نوبه ای گسترده است که از حدود مرزهای ملی و قوانین داخلی مرکز اصلی فراتر می رود و جنبه بین المللی می یابد.

کمیون شرکت های فرا ملی توسط شورای اقتصاد - اقتصادی تأسیس شده که از ۴۸ کشور تشکیل شده که نسبت به وضعیت شرکتها مطالعه می کند مثل شرکت شل، توتال.
۳) نهضت های آزادی بخش :

مشروعیت این نهضت ها از اصل حقوق تعیین سرنوست ملل تا به دست می آید.
حقوق بین الملل بشرط این نهضت های آزادی بخش را می پذیرد که تکلیلات متکلم داشته باشند و قدرت بر اجرایی قواعد بین المللی را داشته باشند.

غوه شناسایی نهضت های آزادی بخش :

۱- درخواست احق توسط مقامی که نماینده ملت است صورت گرفته باشد.

۲- ملت درگیر خصامه در مسلمانان با یک سلطه استعماری و اشغال خارجی یا رژیم های نژاد پرست باشد.

۳- دارایی سازمان و تکلیلات منظم باشند.

۴- سازمان و تکلیلات نماینده مردمی باشد که از لحاظ تاریخی، قومی، مذهبی و فرهنگی به هم پیوسته اند.
غوه شناسایی نهضت ها در عرصه بین المللی از سوی کشورهای خلیج دقیق نیست، برخی با برقراری روابط دیپلماتیک و اجازدهی تأسیس نمایندگی، آنرا راه رسمیت می شناسند.

در باره شناسایی نهضت ها توسط سازمان بین المللی نیز قطعاً به این وجود دارد که این شناسایی را به سازمانهای منطقه ای محول کرده است مثل سازمان وحدت آفرین یا اتحادیه عرب به واسطه سازمان آزادی بخش فلسطین.

۴) دانستن :

طبق موافقت حسن لاتران حقوق و مزایای برابر را می دانند و استلان در نظر گرفته اند.

مزایای واسطیان :

- ۱- حدود جغرافیایی و قلمرو پاپ ۶۶ هکتار است که ملک شخصی پاپ است.
- ۲- مدافعین کشور ایتالیا در امور پاپ منع شده
- ۳- مصونیت نمایندگان دیپلماتیک در این دیپلماتیک خارج در واسطیان
- ۴- مالکیت پاپ در واسطیان به عنوان دولت و شهر واسطیان
- ۵- اداره خدمات عمومی، پلیس و دادگستری در واسطیان برعهده ایتالیا است

ویژگی های فقهی :

- ۱- داشتن قلمرو مشخص
- ۲- داشتن استقلال و مالکیت نسبی*
- ۳- داشتن جمعیت حدود ۱۰/۰۰۰ نفر
- ۴- حق برقراری روابط دیپلماتیک با کلیه کشورها
- ۵- حق انعقاد موافقت نامه های دو جانبه با کشورهای مسیعی
- ۶- داشتن ناظر داخلی در برخی از کشورها بنام بن المللی